نظر اجمالی به اوضاع ایران

یک نفر از آنها باشد ولی ببل سابق الذّکر که نامزد این مقام بود نتوانست نامزدی خود را پیش ببرد ولی شایدمان‏1که یکی از وکلای‏ مشهور دسته بود مقام نایب رئیسی اوّل یافت.

در اجتماع سالیانهء سال 1331 بعضی تغییرات در دستورنامهء دسته بعمل‏ آمد که مهمترین آنها از قرار ذیل است:اوّلا از اختیارات هیئت مدیره‏ کاسته شد باین معنی که هیئتی مرکّب از 32 نفر بنا شد دارای رأی قطعی‏ در امور دسته باشد ثانیا بنا شد که دیگر در اجتماعات سالیانه حضور کلیّهء وکلای مجلس شوری ضروری نباشد و فقط حضور یک ثلث شرط باشد. ثالثا مقرّر شد که یکی از دو منشی کلّ دسته یک نفر زن باشد.رابعا وجه ماهیانه‏ای که اعضای دسته میپرداختند از 30 فنیک(تقریبا 4 عبّاسی) به 40 فنیک(تقریبا یک قران)برده شد و مال زنها از 15 فنیک‏ (تقریبا 2 عبّاسی)به 20 فنیک(تقریبا 10 شاهی).

بعدها پس از آنکه جنگ شروع شد مابین سوسیال دموکراتها اختلافات‏ نظر قوّت پیدا کرد چنانکه از وکلای مجلس دسته‏ای که معتدل‏تر بودند بریاست‏ شایدمان سابق الذکر و ابرت‏2باسم دستهء اکثریّت تقریبا از دستهء دیگر که در تحت ریاست هازه‏3باسم«سوسیالیستهای مستقلّ»تشکیل یافته بود جدا شدند.در میان وکلای چپ سوسیالیستها لیبکنشت نامی که‏ پسر لیبکنشت سابق الذّکر است و در عقاید سوسیالیستی بسیار مفرط و تند بود در همان بحبوحهء جنگ علنا بنای تنقید دولت را گذاشته و مردم را بشورش و طغیان دعوت مینمود و بدین مناسبت از طرف دولت محبوس‏ شد و همان‏طور در حبس بود تا آنکه بعدها وقتیکه در نتیجهء استعفای‏ هرتلینگ از صدر اعظمی آلمان چنانکه در شمارهء 33«کاوه»مذکور گردیده در 27 ذی الحجّه 1336 شاهزاده ماکس صدر اعظم شد و هیئت وزرائی تشکیل یافت که شایدمان مذکور در آن دارای مقام وزیر بی‏شغل بود کم‏کم قوّهء سوسیالیستها خیلی زیاد شد و زمینهء انقلاب حاضر و منجرّ گردید بانقلاب صفر 1337 که سلطنت آلمان یکباره صورت‏ دیگری گرفته و بدست ملّت و سوسیالیستها افتاد.و در همین موقع صدر اعظمی شاهزاده ماکس بود که لیبکنشت سابق الذّکر بانی دستهء «اشپارتاکوس»4که تندروترین دستهء سوسیالیستها است هم از حبس‏ خلاصی یافت.پس از انقلاب هیئت سرباز و عملهء آلمان اختیارات را بدست هیئتی داد 6 نفری که 3 نفر آن از سوسیالیستهای اکثریّت‏ (ابرت-شایدمان-لاندسبرگر5)و 3 نفر دیگر از دستهء سوسیالیستهای‏ مستقلّ(هازه-بارت‏6-دیتمان‏7)بودند ولی 3 نفر اخیر بمناسبت‏ اختلافات نظری که در میان بود و مانع پیشرفت کار بود از هیئت خارج‏ شدند و بجای آنها دو نفر دیگر از همان سوسیالیستهای اکثریت(نوسکه‏8- ویسل‏9)در هیئت داخل شدند و از این قرار امروز اختیارات‏ بکلّی در دست همان دستهء اکثریّت است و در زد و خوردهای خونینی‏ هم که در دهه اوّل ربیع الثّانی(1337)بین دولت و دستهء«اسپارتاکوس» و«سوسیالیستهای مستقلّ»در برلن واقع شد تا امروز که 11 ربیع الثّانی‏ است و فتح و ظفر بکلّی با دولت یعنی با دستهء سوسیالیستهای اکثریّت بوده‏ است.اکنون باید منتظر بود و دید در 16 ربیع الثّانی که روز«اجتماع‏ ملّی»است و از تمام نقاط آلمان نمایندگان ملّت جمع خواهند شد اکثریّت‏ ملّت با کدام دسته همراه خواهد بود و عواقب آن‏چه خواهد شد.

نظر اجمالی به اوضاع ایران

متأسّفانه در این اواخر خبرهای مستقیم راجع باوضاع اخیرهء ایران‏ در دست نیست و پس از تخلیهء ولایات شمالی غربی ایران از قشون عثمانی‏ و برطرف شدن عذر دولت انگلیس در باب نگاهداشتن قشون خود در ایران معلوم نیست که دولت مشار الیها چه رویه‏ای در ایران پیش گرفته‏ و آنچه محقّق است هنوز از تخلیهء ایران از قشون انگلیس که همیشه آنرا ببعد از خارج شدن قشون عثمانی و برطرف شدن خطر تهدید منافع آنها از طرف سایرین وعده میدادند اثری ظاهر نیست.

علیقلی خان مشاور الممالک‏1وزیر امور خارجه از طرف دولت‏ ایران برای سعی در پیشرفت مقاصد ملّی ایران در مجلس صلح با یک‏ هیئتی مأمور شده و چندی پیش وارد پاریس گردیده‏اند و از قرار مسموع‏ میرزا حسین خان معین الوزاره با میرزا محمّد علی خان ذکاء الملک‏ و میرزا سیّد ابو القاسم خان انتظام الملک نیز جزو هیئت مذکور میباشند و علیقلی خان نبیل الدّوله کفیل سفارت امریکا را هم برای معاونت فکری‏ از امریکا خواسته‏اند.

اوضاع داخلی ایران-روزنامهء«منچستر گاردیان»در 11 اکتوبر 1918 شرحی راجع بقحطی در ایران بنا بیک مراسلهء پروفسور ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی نوشته و مخصوصا وضع اصفهان را پرتاریک تصویر مینماید.نظر بمندرجات روزنامهء مذکور گویا بجهت‏ خرابی محصول زراعت از یک طرف و ناامنی و اغتشاش مملکت از طرف‏ دیگر عدّه‏ای زیاد از فقرای آنجا از گرسنگی بدرود زندگی مینماید و بنا بنوشتهء یکی از طبیبه‏های دعاة مسیحی نعشهای مردگان در سرگذرها انداخته شده است تا عابرین پولی برای مخارج تدفین آنها بدهند و بسا واقع میشود که پدران اولاد خود را زهر داده و میکشند برای آنکه‏ (1)مشار الیه مدّتها در پترسبورگ جزو مأمورین سفارت ایران و اخیرا کفیل‏ سفارت بود بعد بایران برگشته در سال 1333 معاون وزارت خارجه شد سال دیگر در 17 ماه صفر 1334 در جزو هیئت وزرای شاهزاده عبد الحسین میرزای فرمانفرما بوزارت امور خارجه منصوب و بعد از دو ماه یعنی اواخر ماه ربیع الثّانی که هیئت‏ وزرای مذکور بهم خورد او هم خارج شده تا اینکه در 6 ماه ربیع الثّانی 1336 در جزو هیئت وزرای میرزا حسن خان مستوفی الممالک مجدّدا وزیر امور خارجه شده‏ و پس از آن در هیئت وزرای نجفقلی خان صمصام السّلطنه و بالأخره در هیئت‏ وزرای حالیّهء میرزا حسن خان وثوق الدّوله مقام مذکور را داشته است.

مردن آنها را از گرسنگی نبینند و همچنین بچّه‏هائی را که پدر و مادرشان‏ مرده و یا از پرستاری آنها عاجز مانده‏اند بمریضخانهء دعاة مسیحی میسپارند که آنها را غذا بدهند و گویا تمام مریضخانه از این قبیل بدبختان نیم‏مرده‏ پر است و عدّهء کمی از آنها قوّهء بهبودی دارند...طبیبهء مشار الیها مینویسد که در ظرف شش ماه گذشته کارکنان هیئت دعاة مسیحی انگلیسی‏ تکالیف خود را در اقدام بامور بریّه با کمال خوبی انجام داده‏اند بطوریکه‏ از دهات اطراف اصفهان گندم و آرد خریده و بتوسّط قوای مسلّح‏ وارد شهر نموده و در نانواخانهای خود مریضخانه نان پخته بمردمان‏ فقیر توزیع نموده‏اند.ولی باوجوداین قحطی روزبروز شدّت کرده و وجوهی که از طرف هیئت مذکور جمع‏آوری شده همانا قریب بتمام شدن‏ است و اگر بزودی زود کمک نقدی از انگلستان بآنها نشده و پول‏ فرستاده نشود هزارها مردم از گرسنگی خواهند مرد.

در خود طهران اگرچه قیمت جنس نسبت بسال گذشته خیلی تنزّل‏ کرده یعنی پاره‏ای اوقات گندم از دویست تومان بتقریبا پنجاه تومان‏ و جو از صد و شصت تومان بسی تومان رسیده ولی هنوز وحشت و اضطراب مردم از بابت کمی محصول و قحطی امسال روزبروز در ازدیاد بوده است و یکی از عمده‏ترین اسباب اضطراب مردم پیش‏خری بانک‏ شاهنشاهی و سایر عمّال انگلیسی است که جنس را پیش از موسم برای‏ قشون انگلیسی میخرند.قیمت امتعهء خارجه خیلی بالا رفته مثلا قند یک‏ من تبریز پنج تومان،چائی یک گروانکه سه تومان،ماهوت معمولی ذرعی‏ 8-10 تومان.خود انگلیسها امتعهء خارجی وارد ایران کرده میفروشند. مخصوصا در این اواخر امتعهء ژاپونی زیاد وارد ایران میشود.قیمت‏ نان نسبت بسایر ارزاق چندان فاحش نیست یعنی یک من 3-4 قران‏ و این قیمت نانواخانهائی است که از طرف حکومت جنس بآنها داده‏ میشود.قیمت برنج وسط هم 13-24 قران بوده است.نیز علاوه بر ناخوشیهای وبا و حصبه و مطبقه و تب و لرز اسپانیولی و تب و لرز مکزیکی‏ که پارسال شیوع داشته است اوایل امسال نیز تب و لرز مخصوصی که در طهران آنرا تب و لرز پنجاه ساعتی مینامند شایع شده است که اغلب مهلک‏ میباشد.و از اخباری که بعد از انتشار شمارهء اخیر کاوه مطلّع شده‏ایم اینکه‏ شاهزاده مسعود میرزای ظل السلطان و حاجی محمّد کاظم ملک التجّار تبریزی و حاجی محمّد علی شالفروش معروف بحاجی علی حاجی حبیب‏ نیز وفات یافته‏اند.

وقایع جنگ فرنگستان‏ (از غرّهء صفر 1337 تا 15 جمادی الأولی 1337)

در این اواخر اتّفاقات و وقایع گوناگون آلمان نظر توجّه عالمیانرا بخود جلب نموده و تقریبا خیلی از پیش‏آمدهای ممالک دیگر در تحت‏ الشّعاع واقع شده است.حقیقة هم وقایع چند ماه اخیر آلمان از هر حیث اهمیّت بسیار میباشد چه از یک طرف سلطنت‏ 237 سالهء خانواده هوهنتزولرن‏1در پروس(1100-1337) که آخرین فرد آن امپراطور ویلهلم دوّم بود از میان رفت و از طرف دیگر هیئت دولتی که بیشتر اعضای آن سوسیالیست هستند بر سر کار آمد.

هیئت دولتی که پس از انقلاب 4 صفر 1337 بر سر کار آمد موقّتی‏ بود و مقرّر شده بود که در 16 ربیع الثّانی 1337 ملّت آلمان وکلائی‏ انتخاب نماید که در یک مجلس اساسی«مجمع ملّی»2جمع شده و قانون‏ اساسی تازهء مملکت را وضع نموده و دولت قانونی تازه‏ای تشکیل دهند. اکثریّت عمدهء ملّت آلمان هم با این ترتیب همراه بود ولی دستهء سوسیالیستهای بکلّی چپ یعنی مفرط موسوم به«اسپارتاکوسی»ها که‏ مسلکشان تقریبا همان مسلک«بالشویکی»های روسیّه است با نظریّات‏ سوسیالیستهای دیگر مخالف بودند و نظرشان این بود که اختیارات دولتی‏ باید فقط در دست هیئتهای عمله و سرباز باشد و سایر طبقات ملّت در آن‏ دستی نباید داشته باشد.رؤسای حقیقی این دسته علاوه بر کارل‏ لیبکنشت(رجوع شود بمقالهء اساسی همین شماره)زنی بود اصلا لهستانی‏ و موسوم به رزا لوکزمبورگ‏3.و هم باید دانست که اسپارتاکوس در تاریخ اسم غلامی است که در حوالی سال 70 میلادی در روم قدیم‏ قریب 70 هزار نفر غلامان را شورانده و مدّت دو سال تمام با شجاعت‏ و فداکاری هرچه تمامتر با قشونهای متوالی روم جنگید تا آنکه بالأخره در سال 71 میلادی کشته شد و نام وی ضرب المثل ماند.خلاصه اسپارتاکوسیها چندین بار در برلن درصدد برآمدند که هیئت دولت را سرنگون‏ نمایند ولی بالأخره موفّق نشدند همینقدر باید دانست آخرین باری که‏ طغیان نمودند 2 ربیع الثّانی 1337 بود که با سرعت تمام اغلب‏ ادارات و مطبعه‏های روزنامه‏های عمدهء برلن و بعضی ادارات و مراکز مهمّ دیگر را بتصرّف درآورده ولی کم‏کم دولت هم قوائی از خارج‏ و داخل شهر فراهم آورده و کار را باسپارتاکوسیها سخت‏ گرفت تا بالأخره در شب 13 ربیع الثّانی مزبور لیبکنشت و رزا لوکزمبورگ هر دو بترتیبی که حقیقتش هنوز کاملا معلوم نشده‏ دستگیر و کشته شدند.

چند روز بعد(26 ربیع الثّانی 1337)روز انتخابات بود برای‏ «مجمع ملّی».

این انتخابات که بنا بقانون انتخابات جدید مساوی و عمومی و مخفی‏ و مستقیم برای کلیّهء تبعهء آلمان از زن و مرد که سنّشان از 20 سال متجاوز باشد بود تازگی مخصوصی که داشت این بود که نسبی بود.